

پنجشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۱ - ۲۰ جمادی‌الاولیٰ ۱۴۴۳ - ۱۵ دسامبر ۲۰۲۲ - سال بیست‌ویکم - شماره ۵۸۲

آیت‌الله محمدعلی گرامی، از فقهای برجسته حوزه علمیه قم، در تشریح دیدگاه فقهی حضرت امام خمینی در خصوص «محرابه» گفت: امام فرموده اند بهتر آن است‌که متناسب با جرم فرد، مجازات تعیین نشود. اگر فرد مرتکب قتل شده اختیار یا حاکم است، اما چنانچه آدمی را نکشته و مال کسی را سرقت نکرده یقیناً حکم اعدام ندارد و حاکم بین آن‌ها مخیر نیست و حکم تبعید بر او جاری است. بنابراین، همه جا شده باشد. حاکم باید ترتیب ر رعایت کند تا متناسب با جرم باشد؛ ممکن است جرم سنگین یا سبک یا متوسط باشد؛ پس متناسب با آن مجازات کند. به نظم «بهرتر» نیست؛ بلکه «متعین» است». مشروح گفت و گوی خبرنگار جماران با آیت‌الله محمدعلی گرامی را در ادامه می‌خوانید:

**با توجه به آنکه حضرت تعالی کتاب «نگاه به سیستم سیاسی اسلام» را تألیف کرده‌اید و بر کتاب «تعزیر الوسیله» حضرت امام حاشیه نوشته‌اید، مایلیم تعریف محارب از نظر امام را از زبان شما بشنوم. محارب بودن در دیدگاه حضرت امام چگونه است؟**

امام خمینی قائل به این تعریف بودند که محارب کسی است که سلاح خود را برکند و از غلاف بیرون آورد یا آماده کند برای ترساندن مردم و قصد افساد فی الارض نماید. بدون تردید ترساندن مردم به بسیاری از کارها آسیب وارد می‌کند جامعه‌ای که در آن امنیت وجود ندارد، موقعیتی کسب نخواهد کرد. اگر کسی چنین کاری مرتکب شد و اسلحه به دست گرفت و ایجاد ناامنی کرد «محراب» نامیده می‌شود. **آیا محارب بسودن در دیدگاه حضرت امام خمینی مشروط است یا مقید؟**

محراب عبارت است از هر کسی که تجرید سلاح کند و با هدف ترساندن مردم اسلحه بکشد. هیچ قیدی در این زمینه وجود ندارد. اگر فردی که اسلحه کشیده، ناتوان باشد و قادر به ترساندن مردم نباشد، در این صورت محل بحث است که آیا باید چنین فردی را مجازات کرد یا خیر؟ اگر این فرد ولو به قصد ترساندن مردم اسلحه کشیده باشد، ولی مردم می‌توانند کاری از این فرد برمی‌آیند، مانند بعضی از افراد معتاد که هیچ قدرتی ندارند آن‌ها ممکن استت سلاح بکشند. اما اگر این‌طور نباشد مصداق محارب است و حکم درباره این افراد جاری می‌شود.

**آیا «قصد خوف» در صدق عنوان محارب دخیل است یا خیر؟**

اخافه و ترساندن محقق نمی‌شود، مگر آنکه مردم بترسند. اگر فردی به قصد اخافه، سلاح به دست بگیرد، اما مردم نترسند، اینجا اخافه صدق نمی‌کند و خوفی نیست. بنابراین، مصداق محارب نمی‌تواند باشد، اما اگر در موردی احتمال ضعفش وجود دارد، ولی احتمال قوت آن بیشتر است که کند چنین فردی می‌تواند مردم را بترساند و مردم نیز می‌ترسند، مصداق محارب است و در این زمینه شک و شبهه‌ای وجود ندارد.

**حدّ فرد محارب چیست؟ آیا هر محاربی باید اعدام شود یا خیر؟**

خیر. برای فرد محارب در قرآن سه حکم آمده است: اعدام، قطع دست‌و پا و تبعید. این سه مورد در اختیار حاکم قرار داده می‌شود. مرحوم امام می‌فرماید: «حاکم بین سه مورد مخیر است». اما ایشان از این نظر عدول کردند و فرموده اند بهتر آن است که متناسب با جرم، فرد را مجازات کنند. اگر چنین فردی مردم را ترسانده و قتل انجام داده، باید اعدام گردد. اما ممکن است مردم را ترسانده و قتل صورت نگرفته باشد. ارهانز، سارقان و قاچاقچیانی که دست به سلاح برند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند، محارب‌اند. مصداق «اخافه الناس» است و حکم محاربه بر آن‌ها صدق می‌کند. بنابراین، در اخافه مردم و سرقت اموال، حکم قطع دست و پا جاری است. اگر فردی با هدف اخافه سلاح کشیده و نه مالی برده و نه قتلی انجام داده در این صورت حکم تبعید بر او جاری می‌شود. اگر فرد به مدت یک سال تبعید می‌شود. جایی که تبعید می‌شود دستور داده می‌شود که مراقب او باشند و کسی به او توجه نکنند. اگر چنانچه فردی مرتکب قتل شد، در این صورت حکم محارب بر او جاری می‌شود و باید اعدام گردد. اگر حکم مصلحت بداند او را عقو کند، مسأله دیگری است. حاکم طبق مصلحت حق عقو دارد. اگر قتلی صورت نگرفته باشد و فردی متحمل درد شده باشد، حکم قطع دست و پا بر او جاری می‌شود. اگر جراحی ایجاد شده باشد، طبق نظر حاکم قطع دست و پا جاری می‌شود؛ اما اگر سرقت نمی‌نوده و آدمی کشته نشده حکم سووم یعنی نفی بلد بر او جاری می‌شود که شرایط خاصی خودش را دارد. باید مراقب چنین فردی باشند و کسی از او معاوضه‌ای نکند. روابط با چنین فردی قطع می‌شود و معاامله‌ای با او صورت نمی‌گیرد و به مقداری که زنده بماند غذا و آب در اختیارش قرار می‌گیرد.

**نظر حضرت امام را در بساب مجازات فرد محارب توضیح دادید. به فتاوی مهمی اشاره کردید. فرمودید حضرت امام از فتاوی اول خودشان عدول کردند و نظر دومی بر ارائه دادند.**

ظاهراً حضرت امام در ابتدا فرمودند اختیار با حاکم است؛ می‌خواهد اعدام کند یا تبعید یا قطع و دست و پا. اما امام بعداً می‌فرمایند: «ولکن اولی» که بهتر آن است. من در پاورقی توضیح داده‌ام که نگویم بهتر است، زیرا به این معنا متعین است.

**شما چه دیدگاهی دارید؟**

مجازات فرمودند بهتر آن است‌که متناسب با جرم فرد، مجازات تعیین شود. اگر فرد مرتکب قتل شده اختیار با حاکم است، اما چنانچه آدمی را نکشته و مال کسی را سرقت نکرده یقیناً حکم اعدام ندارد و حاکم بین آن‌ها مخیر نیست و حکم تبعید بر او جاری است. بنابراین، همه جا اختیار با حاکم نیست. اولی آن است، ولو اینکه حکم معین شده باشد. حکم باید ترتیب ر رعایت کند تا متناسب با جرم باشد؛ ممکن است جرم سنگین یا سبک یا متوسط باشد؛ پس متناسب با آن مجازات کند. به نظم «بهرتر» نیست؛ بلکه «متعین» است. در پاورقی تحریر الوسیله به بعضی از روایات اشاره شده که بر اساس آن‌ها به نظر می‌رسد اولویت تبعید و متعین است که حتماً مجازات متناسب با جرم تعیین شود؛ اگر قتلی

## آیت‌الله گرامی:

# فرد محارب چنانچه آدمی را نکشته یقینا حکم اعدام ندارد

**مراجع باید طرف حقیقت و عدالت باشند؛ اگر کردند حقوق مردم تضییع می‌شود باید به نفع مردم**

## و در انتقاد از دولت‌ها سخن بگویند



صورت گرفته، حکم اعدام جاری شود، اگر مالی سرقت شده، حکم قطع دست و پا جاری است، اگر هیچ یک از این موارد نبوده و قصد اخافه وجود داشته، حکم تبعید بر چنین فردی جاری می‌شود. **آیا قید محارب و مفسد فی الارض که حضرت امام ذکر می‌کنند عملاً مشروط می‌کند؟**

مفسد فی الارض را فساد تبلیغی نمی‌دانند و آن را فساد اجتماعی به معنای به هم ریختن و ایجاد هرج و مرج و مانند آن می‌دانند. آقایان مفسد فی الارض را توسعه داده و شامل بسیاری چیزها کرده‌اند.

**پس نشر اکاذیب شامل مفسد فی الارض نمی‌شود؟**
بعید است. ظاهر آیات نشان می‌شود افساد فی الارض به معنی آن است‌که فردی ایجاد ترس نموده و تبلیغی علیه نظام کرده است. این فرد به خیال خودش موفق شده است، نظام را برهم بریزد و مشکلات زیادی را ایجاد نماید و ناامنی علنی ایجاد کرده باشد.

**بعضی معتقدند که عنوان محارب در خارج از شهر تحقق پیدا می‌کند و در داخل شهر نیست؟ آیا زمان و مکان خاصی از نظر شما در مسئله محاربه لحاظ می‌شود؟**

به نظر من شهر و خارج از شهر، ده و خارج از ده دخالت ندارد. فرقی در این زمینه وجود ندارد. اختیار با حاکم است، اما طبق درجات جرم، درجات مجازات معین می‌شود.

**قاضی چگونه می‌تواند متناسب با جرم حکم صادر کند؟**

در اخافه مردم و سرسرت اموال، حکم قطع دست و پا جاری است. اگر فردی با هدف اخافه سلاح کشیده و نه مالی برده و نه قتلی انجام داده در این صورت حکم تبعید بر او جاری می‌شود. این فرد به مدت یک سال تبعید می‌شود. جایی که تبعید می‌شود دستور داده می‌شود که مراقب او باشند و کسی به او توجه نکنند. اگر چنانچه فردی مرتکب قتل شد، در این صورت حکم محارب بر او جاری می‌شود و باید اعدام گردد. اگر حاکم مصلحت در این مورد بداند او را عقو کند، مسأله دیگری است. حاکم طبق مصلحت حق عقو دارد

حاکم تحقیق می‌کند اگر جرمی انجام شده متناسب با آن مجازات اعدام جاری شود. متناسب با تحقیقی که زیر نظر حاکم انجام می‌شود حکم صادر می‌شود. اگر قتلی صورت گرفته و به قصد اخافه مالی سرقت شده است؛ حکم قطع دست و پا جاری می‌شود. اگر این موارد نیست پس حکم تبعید صادر می‌شود. حاکم متناسب با تحقیق عوامل خود و بر اساس گزارش‌های رسیده حکم را تعیین می‌کند.

**آیا می‌توان بین محارب و حکم اعدام رابطه عموم و خصوص من وجه قائل شویم؟ آیا بعضی از محارب‌ها اعدام می‌شوند؟ به عبارت دیگر حکم محاربی، اعدام نیست.**

خیلی روشن است. اگر قتلی صورت گرفته، حکم آن اعدام است. اگر قتلی صورت نگرفته، قضایمی وجود ندارد و حکم آن اعدام نیست. اگر فردی مالی را سرقت کرده و اغتاشانی ایجاد کرده، حکم قطع دست و پا بر او باید جاری شود. عوامل تحقیق در این موارد تحقیق و به حاکم گزارش می‌دهند.

**در دیدگاه حضرت امام آیا قیودی مثل فساد فی الارض، اهل شرارت بودن یا نبودن و سابقه‌دار مجرم در مسأله حکم محارب تأثیر دارد و مشروط است یا خیر؟**

در فرد محارب سابقه رعایت نمی‌شود. پیرامون قتلی که صورت گرفته، تحقیق صورت می‌گیرد که به عنوان تقاضی نبوده، پس حکم آن اعدام است. اینکه این فرد در گذشته کارهایی انجام داده یا خیر و آیا مجازات شده است یا خیر لحاظ نمی‌شود. در خصوص کاری که در حال حاضر فرد انجام داده تحقیق می‌شود و عوامل به حاکم گزارش می‌دهند که این فرد باید مجازات شود و مجازات او بر اساس ترتیب است.

**حضرت امام مشروط، مقید یا مطلق است؟**

مطلق نیست و اختیار آن با حاکم استت و حاکم طبق درجات حکم را تعیین می‌کند. اگر قتلی صورت نگرفته، حکم اعدام معنی ندارد. اعدام در صورتی است که فرد ایجاد اخافه و خوف نموده و مرتکب قتلی شده است؛ بنابراین، اگر تعبیر به شرط یا قید کنیم فرقی در این زمینه وجود ندارد.

**با توجه به اتفاقاتی که این روزها می‌افتد و بعضی افراد را هم اعدام کرده اند، در شرایط فعلی توصیه حضرت تعالی به مردم و مسئولان نسبت به شرایط محاربه چیست؟**

طبق قواعد فقهی عمل نشود. گروه‌هایی که هم که این کارها را کردند، انصافاً امنیت را بر هم زده و مردم خیلی ناراضی بودند و به هر حال باید کاری کرد که آن‌ها هم دست از جرم خودشان بردارند. هر دو طرف باید دقت کنند؛ هم کسانی که عامل چنین اغتشاشانی هستند از شرایط عبرت بگیرند و ضمناً متوجه باشند که کشور از هر نظر امنیت می‌خواهد؛ و مسئولین هم باید طبق قواعد فقهی عمل کنند، افراط نشود و آن شاه الله همگی موفق باشند.

اشکالاتی وجود داشته است. من از باب انجام وظیفه به آن‌ها گزارش می‌دمم تا کاری انجام دهند. آن‌ها قبول داشتند اشکالاتی وجود داشته که در حال حاضر نیست. دعا می‌کنم این اشکالات برطرف شود. اگر با نسل جوان برخورد عاطفی شود و اقدامی در رفع مشکلات آن‌ها صورت گیرد، با نظام مشکلی ندارند، اما اگر اقدامی صورت نگیرد این مشکلات ادامه خواهد یافت. با خشونت به جایی نخواهیم رسید.

**شش‌هوه‌های ترویج حجاب و راهکارهای مقابله با بدحجابی چیست؟ امروزه بسیاری به حجاب اختیاری معتقد هستند و بسیاری به حجاب پایبند نیستند. با آن‌ها باید چگونه برخورد کرد؟**

در اینکه حجاب از ضروریات است، شک و شبهه‌ای وجود ندارد. حجاب جزء واجبات قطعی است. در شرایط و مراتب نهی از منکر در رساله‌ها توضیح داده شده است. من نیز در رساله خودم آن را توضیح دادم. مرحله اول آن انکار به قلب است. مرحله بعدی نهی زبانی با ملاطفت و عاطفه است. همان‌گونه که قرآن به حضرت موسی وهارون دستور داد: «اذهبا الی فرعون انه طغی فقولا له قولنا لعله لعله یتذکر أو ینحس»؛ دستور نهی از منکر چنین است. باید مرحله به مرحله پیش رفت.

به نظر من گذشتن حجاب بهانه‌ای برای نشان دادن مشکلات جامعه بود. بعید است در این قضیه قصد براندازی و توهین به نظام و مانند آن‌ها وجود داشته باشد. باید با روش عاطفی مردم را به حفظ حجاب تشویق کرد.

ترویج بی‌حجابی نتایج و عواقب بسیار بدی را به دنبال دارد و کانون خانواده را با خطرات بسیار جدی مواجه می‌سازد. حجاب یک فشار شرعی برای رعایت معنویات نیست. اسلام برای زن حجاب را معین کرده است. خود این حجاب، یکی از وسایل امنیت است. با حجاب زن مسلمان، من خود زن مسلمان امنیت پیدا می‌کند و هم مردان مسلمان امنیت پیدا می‌کنند. آن جایی که حجاب را از زنان دور می‌کنند، آن جایی که زن را به عربانی و برهنگی نزدیک می‌کنند، در درجه‌ی اول، امنیت از خود زن و در درجه‌ی بعد، از مردان جوان گرفته خواهد شد. برای این که محیط سالم و دارای امنیت باشد، زن نباید کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسئولیت‌های خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است.

حجاب، یکی از آن احکام برجسته‌ی اسلام است. در دین اسلام حفظ بنیان خانواده بسیار مهم است. چنانچه مرئی مبارزه کرد و سال‌های سال به زندان محکوم شد معمولاً به راحتی به هسر او اجازه طلاق داده نمی‌شود.

**وظیفه علما، بزرگان و حوزه‌های علمیه نسبت به همراهی با مطالبات مردم و شنیدن اعتراضات جوانان چیست؟**

مسأله خیلی مهمی است. مراجع در شرایطی هستند که باید مراعات خیلی چیزها را کنند. مراجع باید طرف حقیقت و عدالت باشند. اگر حس کردند که مشی و مسیر دولتمردان به سمتی است که در آن عدالت اجتماعی نیست و حقوق مردم تضییع می‌شود و مسائل و مشکلات مردم بیشتر می‌شود و برای مثال گرانی‌ها افزونی پیدا می‌کند مراجع و روحانیت باید طرف حق را بگیرند و به نفع مردم و در انتقاد از دولت‌ها سخن بگویند.

یک سال مرحوم آیت‌الله گلپایگانی فرمودند عید فطر بر من ثابت نشده و رادیو و تلویزیون آن روز را روز عید اعلام کردند. عدای از افراد در جلوی منزل آیت‌الله گلپایگانی علیه ایشان شعار دادند. مراجع ضمن حفظ روحانیت و موقعیت مرجعیت نباید کاری کنند که منجر به توهین و اهانت به مقام آن‌ها شود. به نظر با عواطف کارها بهتر پیش می‌رود. مردم باید رعایت عنوان مرجعیت را کنند.

از آنجا که مرجعیت مسئله نیابت از امام زمان(عج) است مردم باید بسیار رعایت کنند. نباید نسبت به مرجعیت هتک حرمتی صورت گیرد. وقتی به همه معامله یک روحانی یا طلبه توهین می‌شود؛ توهین به لباس اوست. این‌ فرد یادگار پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) است. کسانی که این چنین بی‌احترامی‌هایی را مرتکب می‌شود، کار اشتباهی را انجام می‌دهند.

مظلوم‌ترین قشر جامعه، طلابی هستند که در هیچ کاری نبوده و نیستند و فقط به دنبال بحث و تدریس و تحقیق و تبلیغات هستند دخالتی در هیچ کار حکومتی ندارند و مورد هتک حرم و توهین قرار می‌گیرند. طلاب مظلوم‌ترین قشر جامعه است و متناسباً در جامعه نسبت به همه بی‌احترامی می‌شود. یقیناً این گونه هتک حرمت‌ها عوارض منفی را برای افراد به دنبال خواهد داشت. این افراد به راحتی شامل عقو خداوند نخواهد شد و شامل مجازات الهی خواهند شد.

**باید از شما اگر مسئولان مرتکب اشتباهی شدند عذرخواهی مسئولان از مردم چه دیدگاهی دارید؟**

واقعیت آن است که غیر معصوم ممکن است اشتباه کند. اگر عصمت نیابد، اشتباه بر همه متصور است. حضرت امام در مدرسه فیضیه سخنرانی کردند و فرمودند: «استغفر الله ربی و اتوب الیه. ما نیز اشتباه کردیم». البته اشتباه در موارد خاص بوده است، نه اینکه در انقلاب و تغییر نظام اشتباهی صورت گرفته باشد. در اصل اینکه غیر معصوم مرتکب اشتباه و خطا شود و توبه نمی‌کند. همه باید به خدا پناه ببریم که در اشتباه نیفتیم و دیگران را نیز به اشتباه نیندازیم. اگر در جامعه‌ای مسئولی احساس کند باید در برابر هر منتقدی پاسخگو باشد، جلوی بسیاری از اشتباهات گرفته میشود. گاهی اوقات در سیاست، در مدیرت، در روابط بین‌الملل و روابط داخلی فکر می‌کنیم راه این است و چه بسا راه نباشد. باید مشاورات خیلی دقیقی صورت گیرد. در موضوعاتی مثل اینکه آیا بهتر است با شرق یا غرب بسازیم؟ چگونه سازش باشد؟ از چه چیزی می‌توان گذشت کرد و چه چیز را باید خط قرمز بدانیم و گذشت نکنیم. این موضوعات باید به مشاوره گذاشته شود.

این مشاوره تصمیم‌گیری شود و مردم در جریان روند کارها قرار گیرند.

همه چیز باید آشکارا و در مقابل چشم مردم صورت گیرد که اگر نیک یا بد است مردم آن را ببینند. مردم بدون غل و غش باید در جریان کارها و امور قرار گیرند و از آن‌ها رأی‌گیری شود.

فکر نمی‌کنم در این‌صورت خشونت جایی نخواهد داشت. بدبهی است هر کسی که مرتکب اشتباه می‌شود باید عذرخواهی کند. یکی از مسائلی که باید در فرهنگ سیاسی مردم نهانیده سازد، فرهنگ عذرخواهی مسئولین از مردم است که این دولت داشته که اشکالاتی وجود داشته، بسیاری به سوی به‌شرف‌ت خواهد داشت.

## سیاسی یادداشت

یادداشت

### «چین جدید» و ما

ادامه از صفحه ۱

چین در جمع قدرت‌های غیر قابل اعتماد ایرانیان هرگز سسوانق تجاوز روس‌ها به خاک ایران یا دخالت انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها در کودتا و پروژه‌های ضد تمامیت کشور، و با حمایت‌های فرانسه و آلمان از صدام در طول جنگ را فراموش نکرده‌اند. هنوز که هنوز است روس‌ها در ایران محبوبیتی پیدا نکرده‌اند و مکرر از احتمال خیانت آنها گفته می‌شود، چنان‌که به آمریکا نیز اعتمادی وجود ندارد. از مهم‌ترین نقاط مثبت چین در میان سایر قدرت‌های جهانی، آن بود که در سابقه این قدرت، تجاوز یا حمایت از متجاوز به ایران وجود نداشت. ایران تا هزاران سال دیگر هم ایران خواهد بود و هیچ ایرانی با شرافتی، وجبی از خاک ایران را با کسی معامله نخواهد کرد و چینی‌ها حتی با فرض اصلاح سیاست فعلی در کنار قدرت‌های طمعکار در حافظه ذهنی ایرانیان قرار خواهند گرفت. چینی‌ها با همه محاسباتی که در سیاست خارجی خود دارند و با آن همه هزینه رسانه‌ای برای چهره‌سازی معصومانه از خود، در این خصوص مرتکب خطایی با تاثیر بلند مدت شده و خود را در جمع قدرت‌های غیر قابل اعتماد، حداقل برای ایرانیان قرار داده‌اند. صرف نظر از برخورد آموزنده‌ای که در این مرحله باید با آنان صورت بگیرد، در آینده نیز باید با آنها حساب شده تر مواجه شد.

**از طبیعت «چین جدید» نباید غفلت کرد**

چینی‌ها که خود نسبت به تایوان بسیار حساسند، مفاهیم و تعلقات ملی گرایانه را درک می‌کنند و از جری‌ده‌دار شدن احساسات و اعتماد ایرانیان از هر قوم و طیف با خیرند. آنها می‌دانند که اعتماد ملت‌ها، قابل کپی‌برداری یا تولید انبوه نیست که به قیمت اززان تکرار شود. با این حال، آنها باطمینان به حفظ قرار داد ۲۵ ساله با ایران، و با توجه به قرار دادهای پیشین با پاکستان و عراق، تلاش کردند، تا در آن سوی آب‌ها، قطعه‌ای دیگر از پازل قدرت سازی و برنامه بلند مدت را که طراحی کرده اند، تکمیل کنند. آنها ممکن است فردا برای ایران نیز توجیهی آورده، تا زخم جاری را تا فرصت بعدی ترمیم نمایند. اما این نباید هیچ کسسی را از طبیعت جدید چین و «چین جدید» غافل کند. چین جدید علاوه بر فرصت طلبی، تا حدی مهاجم هم هست، چین جدید، در جستجوی توسعه «نظم جهانی» برای جهان و منطقه، اگر مصلحت بداند یا فرصت پیدا کند، گویی از تنش‌های خودساخته پرهیز ندارد و صرفاً منافع خود و البته قدرت ملی و توان استراتژیک طرف مقابل را از مهم‌ترین ملاک‌های ارزیابی‌های خود قرار خواهد داد.

**ضعف مطالعات شناختی و عدم تعادل در سیاست خارجی ایران**
البته تعریض اخیر به ایران، صرفاً ناشی از سیاست‌های «چین جدید» نیست، ناشی از ضعف مطالعات شناختی و عدم تعادل در سیاست خارجی ایران و نیز دریافتی است که چینی‌ها از نیاز ایران تحت تحریم به چین پیدا کرده‌اند.

در طراحی سیاست خارجی کشور، نه دفاتر قوی مطالعات استراتژیک غرب شناسی و شرق شناسی در کشور دیده می‌شود و نه مسندها و تریبون‌های سیاست خارجی در اختیار نخبگان تراز اول است و نه طی ده‌ها، صدای منسجمی از دستگاه سیاست خارجی کشور شنیده شده است. سیاست خارجی کشور، نقش‌گاسته داخلی که اکثریت نخبگان از خانه نشین کرده اند، از فقر راهبرد منسجم و دوراندیشانه و همچنین فقر نخبگی عمیقاً رنج می‌برد و تک چهره‌ها نیز خانه نشین شده‌اند.

در حالی که درک عمق استراتژیک در سیاست خارجی از عهده هر کسی بر نمی‌آید و با چند شعار، سیاست خارجی ساخته و پرداخته نمی‌شود. همین چند روز گذشته، رسانه‌های داخلی نزدیک به حکومت از حجم یک میلیون بشکه‌ای خرید نفت ایران توسط چین به خود می‌بالیدند. اما آیا هرگز از خود پرسیدیدند، اساساً چرا باید ایران بزرگ مجبور به کاهش صادرات نفت خود تا یک پنجم شده و آن را هم با نرخ کمتر و با شرایط تحمیلی بفروش؟ چگونه چنین اضطراری در ایران، برای چینی‌ها و دیگر رقیبا تومهم ایجاد نخواهد کرد؟

بی تردید عوامل مختلفی در تضعیف موقعیت آمریکا در منطقه نقش داشته‌اند، اما مگر نه آن است که ایران نیز سال‌ها در تقابل با آمریکا، هزاران نیروی انسانی و میلیارد‌ها میلیارد دلار از سرمایه ملی هزینه کرده است. حال چگونه چینی‌ها که شریک استراتژیک ایران نام گرفته بودند، باید بتوانند، فرصت طلبانه در منطقه حضور پیدا کنند و نه تنها ایران را شریک ندانند، بلکه با بی‌مهری به ایران، بسطاط خود را بپهن کنند و در خلیج فارس جولان دهند؟ اشکال کار کجاست؟ فقط فرصت طلبی و چند جانبه‌گرایی چینی‌هاست؟ خطاهای استراتژیک خارجی و خارجی و جانانگی سیاست خارجی ایران نیست؟ این همه توطئه آمریکاست؟

**انکاء تک بعدی به «قدرت سخت نظامی» راه گشا نیست**

شخصاً به تلاش‌های بزرگی که برای استقلال کشور و قدرت دفاعی کشور طی چندین دهه شده ارج می‌نهم و به خونهای پاک مردارزان وطن سر تعلیم فرود می‌آورم، اما گاهی اشتباه‌ها و ابحرافات بزرگی نیز بروز یافته است. از مشکلات حکمرانی کشور آن است که استقلال در سیاست خارجی از جمله رابطه با روسیه و چین متوازن دنبال نشده و نگرانی از وابستگی بالا گرفته است، همچنین حاکمیت با عنوان استقلال و افزایش قدرت هسته‌ای و نظامی، هم با مردم مپهن و هم با بخش عظیمی از جهان قهر کرده، یا در دام توطئه رقیبا افتاده است.

کشور از حالت توازن هم در عرصه داخلی و هم بین‌الملل خارج شده، و تحریم‌های چند دهه ساله توان ملی کشور را به شدت تنزل داده است. حالا باید روشن شده باشد که بدون انکاء، به قدرت اقتصادی که از مولفه‌های تخاص در برقراری ارتباط ملی است (که روابط گسترده با جهان و دسترسی به بازارها شرط لازم آن است) و جمهوریوت و فرهنگ و مولفه‌های دیگر گرفته است، همچنین حاکمیت با عنوان استقلال و افزایش قدرت هسته‌ای و نظامی، هم با مردم مپهن و هم با بخش عظیمی از جهان قهر کرده، یا در دام توطئه رقیبا افتاده است.

کشور از حالت توازن هم در عرصه داخلی و هم بین‌الملل خارج شده، و تحریم‌های چند دهه ساله توان ملی کشور را به شدت تنزل داده است. حالا باید روشن شده باشد که بدون انکاء، به قدرت اقتصادی که از مولفه‌های تخاص در برقراری ارتباط ملی است (که روابط گسترده با جهان و دسترسی به بازارها شرط لازم آن است) و جمهوریوت و فرهنگ و مولفه‌های دیگر گرفته است، همچنین حاکمیت با عنوان استقلال و افزایش قدرت هسته‌ای و نظامی، هم با مردم مپهن و هم با بخش عظیمی از جهان قهر کرده، یا در دام توطئه رقیبا افتاده است.

کشور از حالت توازن هم در عرصه داخلی و هم بین‌الملل خارج شده، و تحریم‌های چند دهه ساله توان ملی کشور را به شدت تنزل داده است. حالا باید روشن شده باشد که بدون انکاء، به قدرت اقتصادی که از مولفه‌های تخاص در برقراری ارتباط ملی است (که روابط گسترده با جهان و دسترسی به بازارها شرط لازم آن است) و جمهوریوت و فرهنگ و مولفه‌های دیگر گرفته است، همچنین حاکمیت با عنوان استقلال و افزایش قدرت هسته‌ای و نظامی، هم با مردم مپهن و هم با بخش عظیمی از جهان قهر کرده، یا در دام توطئه رقیبا افتاده است.

کشور از حالت توازن هم در عرصه داخلی و هم بین‌الملل خارج شده، و تحریم‌های چند دهه ساله توان ملی کشور را به شدت تنزل داده است. حالا باید روشن شده باشد که بدون انکاء، به قدرت اقتصادی که از مولفه‌های تخاص در برقراری ارتباط ملی است (که روابط گسترده با جهان و دسترسی به بازارها شرط لازم آن است) و جمهوریوت و فرهنگ و مولفه‌های دیگر گرفته است، همچنین حاکمیت با عنوان استقلال و افزایش قدرت هسته‌ای و نظامی، هم با مردم مپهن و هم با بخش عظیمی از جهان قهر کرده، یا در دام توطئه رقیبا افتاده است.

کشور از حالت توازن هم در عرصه داخلی و هم بین‌الملل خارج شده، و تحریم‌های چند دهه ساله توان ملی کشور را به شدت تنزل داده است. حالا باید روشن شده باشد که بدون انکاء، به قدرت اقتصادی که از مولفه‌های تخاص در برقراری ارتباط ملی است (که روابط گسترده با جهان و دسترسی به بازارها شرط لازم آن است) و جمهوریوت و فرهنگ و مولفه‌های دیگر گرفته است، همچنین حاکمیت با عنوان استقلال و افزایش قدرت هسته‌ای و نظامی، هم با مردم مپهن و هم با بخش عظیمی از جهان قهر کرده، یا در دام توطئه رقیبا افتاده است.

کشور از حالت توازن هم در عرصه داخلی و هم بین‌الملل خارج شده، و تحریم‌های چند دهه ساله توان ملی کشور را به شدت تنزل داده است. حالا باید روشن شده باشد که بدون انکاء، به قدرت اقتصادی که از مولفه‌های تخاص در برقراری ارتباط ملی است (که روابط گسترده با جهان و دسترسی به بازارها شرط لازم آن است) و جمهوریوت و فرهنگ و مولفه‌های دیگر گرفته است، همچنین حاکمیت با عنوان استقلال و افزایش قدرت هسته‌ای و نظامی، هم با مردم مپهن و هم با بخش عظیمی از جهان قهر کرده، یا در دام توطئه رقیبا افتاده است.

کشور از حالت توازن هم در عرصه داخلی و هم بین‌الملل خارج شده، و تحریم‌های چند دهه ساله توان ملی کشور را به شدت تنزل داده است. حالا باید روشن شده باشد که بدون انکاء، به قدرت اقتصادی که از مولفه‌های تخاص در برقراری ارتباط ملی است (که روابط گسترده با جهان و دسترسی به بازارها شرط لازم آن است) و جمهوریوت و فرهنگ و مولفه‌های دیگر گرفته است، همچنین حاکمیت با عنوان استقلال و افزایش قدرت هسته‌ای و نظامی، هم با مردم مپهن و هم با بخش عظیمی از جهان قهر کرده، یا در دام توطئه رقیبا افتاده است.

کشور از حالت توازن هم در عرصه داخلی و هم بین‌الملل خارج شده، و تحریم‌های چند دهه ساله توان ملی کشور را به شدت تنزل داده است. حالا باید روشن شده باشد که بدون انکاء، به قدرت اقتصادی که از مولفه‌های تخاص در برقراری ارتباط ملی است (که روابط گسترده با جهان و دسترسی به بازارها شرط لازم آن است) و جمهوریوت و فرهنگ و مولفه‌های دیگر گرفته است، همچنین حاکمیت با عنوان استقلال و افزایش قدرت هسته‌ای و نظامی، هم با مردم مپهن و هم با بخش عظیمی از جهان قهر کرده، یا در دام توطئه رقیبا افتاده است.

کشور از حالت توازن هم در عرصه داخلی و هم بین‌الملل خارج شده، و تحریم‌های چند دهه ساله توان ملی کشور را به شدت تنزل داده است. حالا باید روشن شده باشد که بدون انکاء، به قدرت اقتصادی که از مولفه‌های تخاص در برقراری ارتباط ملی است (که روابط گسترده با جهان و دسترسی به بازارها شرط لازم آن است) و جمهوریوت و فرهنگ و مولفه‌های دیگر گرفته است، همچنین حاکمیت با عنوان استقلال و افزایش قدرت هسته‌ای و نظامی، هم با مردم مپهن و هم با بخش عظیمی از جهان قهر کرده، یا در دام توطئه رقیبا افتاده است.

کشور از حالت توازن هم در عرصه داخلی و هم بین‌الملل خارج شده، و تحریم‌های چند دهه ساله توان ملی کشور را به شدت تنزل داده است. حالا باید روشن شده باشد که بدون انکاء، به قدرت اقتصادی که از مولفه‌های تخاص در برقراری ارتباط ملی است (که روابط گسترده با جهان و دسترسی به بازارها شرط لازم آن است) و جمهوریوت و فرهنگ و مولفه‌های دیگر گرفته است، همچنین حاکمیت با عنوان استقلال و افزایش قدرت هسته‌ای و نظامی، هم با مردم مپهن و هم با بخش عظیمی از جهان قهر کرده، یا در دام توطئه رقیبا افتاده است.